



ملالی جویا "زنی در میان جنگ سالاران"

بدون شک نام ملالی جویا ، زن جوانی از سرزمین جنگ زده افغانستان ، با تاریخ معاصر مبارزه و مقاومت مردم دلیر افغانستان بر علیه بنیاد گرایان اسلامی و بر علیه اشغالگران امپریالیستی ، عجین شده است. "زنی در میان جنگ سالاران" اسم کتابی است که اخیراً توسط او به زبان انگلیسی نوشته شده و توسط انتشارات "اسکرینر" به چاپ رسیده است. در اول نوامبر سال جاری نیز مراسمی برای معرفی این کتاب در شهر واشنگتن بر پا شد. آن چه در زیر آمده است توضیحات من در مورد نشست مذکور و هم چنین در مورد محتوای کتاب فوق الذکر می باشد.

در شب اول نوامبر فرصتی شد تا با ملالی جویا در مراسمی که به مناسبت انتشار کتابش با نام "زنی در میان جنگ سالاران" در واشنگتن بر پا شده بود از نزدیک آشنا شوم. در این مراسم ، اکثرآ انسان های مرفقی و مخالف جنگ و فعالین حقوق بشری آمریکایی شرکت داشتند. کسانی در آنجا حضور داشتند که خود سالهاست بر علیه تجاوز و جنگ خانمان برانداز آمریکا و ناتو در افغانستان و عراق به اشکال مختلف مبارزه کرده اند. با این که اکثر آنها با مضمون نشست آشنائی ذهنی داشتند اما واضح بود که جمعیت حاضر با دقت به سخنان ملالی جویا گوش می دادند. به سخنان زن جوانی که درد های فراوانی که در سی سال گذشته بر افغانستان رفته و می رود را به زبان انگلیسی برای آن ها باز گو میکرد و گوشه هائی از ستم های وارده به مردم افغانستان را برای همه به تصویر می کشید.

ملالی، آن شب از ظلم و ستمی که طی سال های متمادی بر مردم افغانستان اعمال شده است گفت. او از جنایات و حمله نظامی شوروی سابق بر افغانستان، از بوجود آمدن طالبان توسط سازمان سیا، از حمله و اشغال نظامی کشور خود توسط آمریکا و کشور های معروف به ناتو و از جنایاتی که جنگ سالاران امروز تحت حمایت اربابان آمریکایی خود بر مردم بی پناه افغانستان روا میدارند، سخن گفت. او از بیرحمی ها و جنایاتی صحبت کرد که وقوع آن ها به سختی در تصور یک انسان می تواند بگنجد.

ملالی با بیان موارد مشخص درد و رنج و محنت مردم افغانستان و با ذکر نمونه های فراوان آن ستم ها ، پلیدی و زشتی تبه کاران را آشکار ساخت. ملالی به گونه ای سخن می گفت که خشم و کینه به دشمنان مردم و عشق به توده های مصیبت زده افغانستان در صدا و بیانش کاملاً محسوس بود. هر کسی می توانست ببیند که او دلش برای مردمش می تپد و می دید که او مصمم است و با تمام قدرتش می کوشد که حقیقت دردناک زندگی در جهنم کنونی افغانستان را به مخاطبین خود منتقل کند. او در این کار موفق بود و توانست در جلوی چشم ها و گوش های ناباور حاضرین حقیقت مرگ و زندگی مردم افغانستان را عیان کرده و جمعیت حاضر را شدیداً تحت تاثیر خود قرار دهد.

در پایان سخنرانی او ، قسمت دوم برنامه ، به طرح سئوالات حاضرین اختصاص داده شده بود. در مورد چگونگی حمایت نیروهای مترقی در سطح بین المللی ، سئوالات زیادی شد. از میان حضار ، یک دختر جوان افغانستانی سئوال کرد که در شرایط کنونی ، چگونه میشود بدون حضور ارتش آمریکا با "جنگ سالاران" قبیله ای مبارزه کرد؟ پاسخ ملالی چنین بود : "خواهرم مگر نمی دانی که جنایاتی که امروز بر مردان و زنان افغانستان اعمال میشود ، دقیقاً تحت حمایت همین نظامیان آمریکایی و ناتو است که صورت میگردد؟ اگر در هر ده و روستا و کوچه و خیابان هر شهری ، چنین حمایتی از این "جنگ سالاران" نمی شد ، آیا آن ها هرگز جرات دست زدن به چنین جنایاتی را داشتند؟ مردم افغانستان در طول تاریخ بارها دشمنانشان را شکست داده اند و اینبار هم با مبارزه خود همه جنایت کاران را نابود خواهند کرد." در این بخش از برنامه من نیز به عنوان یکی از سئوال کنندگان ، ضمن قدردانی از مبارزات ضد استعماری و ضد ارتجاعی ملالی بر علیه جنگ افروزان و بنیاد گرایان اسلامی و افشای اهداف سلطه جویانه امپریالیست ها از بوجود آوردن جنگ در خاور میانه، اندکی در مورد اوضاع سیاسی در ایران صحبت کرده و توضیح دادم که همانطور که میدانید مردم ایران هم در ۳۰ سال گذشته در زیر حکومت استبدادی ارتجاعی جمهوری اسلامی لحظه ای دست از مبارزه برای نابودی این رژیم نکشیده اند و در آخر از ملالی جویا خواستم که نظراتش را در مورد وجوه مشترک مبارزات مردم در بند ایران و افغانستان بیان کند.

ملالی که همواره تأکید کرده است که مبارزات مردم افغانستان را جدا از مبارزات مردم ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم نمی داند، در پاسخ به سئوال فوق ، مطالب زیر را بیان نمود: "مردم افغانستان همواره از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران الهام می گیرند. مردم افغانستان از خیزش بزرگ مردان و زنان و بخصوص نسل جوان ایران در چند ماه گذشته ، نیرو گرفته اند. من فقط امیدوارم و باز هم امیدوارم که این مبارزات به نفع جلدانی چون موسوی و خاتمی که همان فرزندان خلف خمینی جلاد هستند تمام نشود! امید که مردم ایران در این مبارزات موفق به نابود کردن رژیم جمهوری اسلامی شوند. ما و مردم ایران همان طور که شاملو میگوید درد مشترکیم. جمهوری اسلامی ایران در ۳۰ سال گذشته ، خود یکی از عوامل اصلی مصیبت بر مردم افغانستان بوده است و ظلم های بیشماری بر مردم ما روا داشته است". ملالی چنین سخنانی را در مقابل نیروهایی که بعضاً نسبت به ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی متوهم هستند بیان کرد. واقعیت این است که خیلی از فعالین ضد جنگ آمریکایی ، علیرغم آرمان های صلح طلبانه اشان متاسفانه در پاره ای موارد تحت تاثیر عربده کشی های دروغین و ژست های به اصطلاح "ضد امپریالیستی" عمال رژیم ، هنوز در مورد ماهیت ارتجاعی بنیاد گرایان اسلامی در ایران و منطقه متوهم می باشند. در این نشست سخنان افشاگرانه ملالی جویا تاثیر مهمی روی آن ها گذاشت.

در قسمت پایانی مراسم از فرصتی کوتاه استفاده کردم و با آگاهی از احترام و ارزشی که ملالی همواره به رفیق اشرف دهقانی داشته دو عدد از کتاب های رفیق اشرف دهقانی به نام های "در جدال با خاموشی" و "بدرهای ماندگار" را به ملالی هدیه دادم. برایم باور کردنی نبود وقتی دیدم که او با دیدن اسم اشرف دهقانی بر روی کتاب ها با شور و هیجانی غیر قابل توصیف ، آن کتاب ها را بوسید و بعد در فضائی که بوجود آمد ما با بغضی که حاصل سالها ستم بر مردمان بود یکدیگر را در آغوش گرفتیم . ملالی با محبتی خاص از اینکه یکی از بزرگترین آرزوهایش دیدار با اشرف دهقانی است میگفت و از اینکه این زن مبارز چه تاثیر شگرفی در زندگی مبارزاتی او داشته است، صحبت کرد. ازدحام جمعیت در اطرافش برای گفتگو با او ، مجال بیشتری برای ادامه صحبتی که هر دو مشتاق آن بودیم را نمی داد.

اکنون به نکات برجسته کتاب او به نام "زنی در میان جنگ سالاران" میپردازم.

کتاب "زنی در میان جنگ سالاران" حکایت زندگی دهشتناک میلیون ها انسان در افغانستان در سی سال اخیر است. ملالی که ۳۱ سال بیشتر ندارد خود به نسلی تعلق دارد که جنگ و نابسامانی های منتج از آن را در همه زندگی خود تجربه کرده است. در این کتاب او نشان می دهد که درد های مردم تحت ستم جامعه خود را به خوبی می شناسد. او در مورد خود و از تجربه های زندگیش در شرایط سلطه طالبان بر افغانستان نیز صحبت کرده است و مثلاً توضیح می دهد که چگونه در سنین نو جوانی در کمپ های پناهندگی تا نیمه های شب بیدار نشسته و در پرتو نور چراغ نفتی به مطالعه کتابهای متفاوت پرداخته است. یکی از کتابهایی که او مطالعه کرده و بر طبق گفته خود ملالی در شکل گیری ایده های مبارزاتی او نقش داشته کتاب حماسه مقاومت نوشته رفیق اشرف دهقانی بوده است . او در صفحه ۲۲ کتاب در این مورد چنین توضیح میدهد:

"کتاب حماسه مقاومت اشرف دهقانی به طور مشخص تاثیر شگرفی بر من گذاشت. نویسنده، این کتاب را به منظور افشای جنایات در زندانهای مخوف ایران نوشت. زندانهایی که او و کسان دیگری به عنوان زندانی سیاسی در آنجا بسر می بردند. پایداری و مقاومت اشرف دهقانی در شرایط سخت و بی عدالتی ، همواره مشوق من بوده است."

تحت شرایط قرون وسطایی حاصل از سلطه سپاه طالبان ، همانطور که می دانیم تحصیل دختران عملی غیر قانونی بود، تا آنجا که اگر انجام چنین امری صورت می گرفت و به اطلاع مزدوران بنیاد گرای طالبان می رسید، هم معلم و هم دانش آموزان تحت شدیدترین تنبیهات بدنی قرار می گرفتند. در کتاب "زنی در میان جنگ سالاران" آشکار می شود که ملالی درست در چنین شرایطی در حالی که دختر کاملاً جوانی بود با تلاشی شبانه روزی موفق به دایر کردن مدارس زیر زمینی گشته و به تدریس دختران پرداخته است. ایجاد پرورشگاه برای کودکانی که پدران و مادرانشان را از دست داده بودند فرصت دیگری بود که ملالی بتواند یاد گرفته های خود را به بچه ها منتقل کند، و او چنین می کرد. در صفحه ۵۹ کتاب می نویسد:

"گاهی اوقات برای بچه ها داستان های صمد بهرنگی را با صدای بلند می خواندم و درس هایی را که خود از این داستان ها آموخته بودم را برای آنها تشریح میکردم. وقتی بچه بودم عاشقانه صمد بهرنگی را دوست میداشتم و فکر میکنم که او بهترین کتاب ها را برای بچه ها نوشت. تمام نوشته های صمد بسیار آموزنده هستند و بچه ها را تشویق به تمرین بودن و فکر کردن برای چگونگی ساختن دنیای بهتری میکند و در عین حال سرگرم کننده هم هستند بچه ها این داستان ها را بسیار دوست میداشتند و هر زمان که برایشان این داستان ها را می خواندم آنها همیشه مملو از سؤال میشدند."

در این کتاب اهداف واقعی و عملکرد سازمان سیا در چگونگی و شکل گیری طالبان و بدنال آن حمله و اشغال نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدینش به بهانه "مبارزه با تروریسم" و کشتار و جنایاتی که بر مردم ستمدیده افغانستان روا میشود مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده میشود که نتایج دهشتناک این جنگ تحمیلی چیزی جز بدبختی و فقر و تبعیض و زندان و شکنجه و مرگ و اعتیاد برای مردم افغانستان نبوده است. جنگی که حاصلش روی کار آمدن دولت دست نشانده کرزای و به قدرت رسیدن همان جانیان لباس عوض کرده طالبان است که امروز هار تر از گذشته، با حمایت نظامیان امپریالیست، همچنان بر جان و مال مردم افغانستان تسلط داشته و آنها را مورد ظلم و ستم قرار داده اند.

همانطور که می دانیم دولت آمریکا به دنبال انفجار برج های دو قلو در نیویورک در سال ۲۰۰۱ به بهانه مبارزه با تروریسم و صدور آزادی و دموکراسی به افغانستان، رژیم دست پرورده سابق خود طالبان را ساقط و با اعزام نیروهای مسلح خود به آن کشور مردم افغانستان را مورد یورش نظامی قرار داد. برای نیروهای مترقی و انقلابی از همان آغاز مشخص بود که هدف اصلی آمریکا از این جنگ حفظ منافع استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه بود و نه نابود کردن طالبان و بردن آزادی و دموکراسی برای مردم این کشور. اتفاقاً، قدرتمداران امپریالیسم که روزی با شعار های قلابی مبارزه بر علیه بنیاد گرایان اسلامی شفاوت و جنگ طلبی خود را توجیه میکردند، امروز در سطحی علنی از گفتگو و مذاکره با رهبران طالبان، این قاتلین مردم افغانستان، دم میزنند.

در این کتاب، ملالی حضور وسیع جنگ سالاران طالبان در دولت کرزای و پارلمان افغانستان را بر ملا میکند و نشان میدهد که چگونه این جنایت کاران امروز با حمایت مستقیم چکمه پوشان نظامی آمریکا همچنان بر علیه مردم افغانستان جنایت میکنند. همچنین در این کتاب نشان داده شده که ۸ سال بعد از شروع جنگ کماکان زنان افغانستان از پایه ای ترین حقوق انسانی خویش محرومند و فاقد هر گونه امنیت اجتماعی می باشند. حتی هنوز اکثریت دختران به علت عدم وجود مدارس از تحصیل محروم می باشند. معلوم می شود که در بسیاری از مناطق افغانستان هنوز زنان تنها به همراه خویشاوندان خویش که برای آنها "محرم" خوانده می شوند میتوانند از خانه خارج شوند. حتی در کابل زنان بسیاری از ترس کماکان مجبور به پوشیدن برقه هستند. ملالی توضیح میدهد که شرایط زنان در افغانستان از جنبه هائی نه تنها تغییری نکرده، بلکه با در نظر گرفتن ازدیاد آمار تجاوز و ربوده شدن زنان، در حالی که مجرمین تجاوزگر به زنان از مصونیت کامل قانونی برخوردار میباشند وضعیت برای زنان امروز حتی بدتر از دوره طالبان میباشد. واقعیات مزبور خود بیانگر علت بالا رفتن آمار خود کشی در میان زنان افغانستان نیز می باشد. زنانی که با به آتش

کشیدن جسم خویش بر درد و مصیبت خویش نقطه پایان میگذارند. ولی این خود کشی ها در سکوت فریاد عدالت خواهی آنان است. به امید آنروز که زنان شدیداً تحت ستم افغانستان به آن درجه از آگاهی دست یابند که همه خشم و کینه خود را متوجه امپریالیستها و نیروهای مرتجع وابسته به آنها در کشور خود نموده و به جای اقدام به کشتن خود، در جهت نابودی ریشه های ظلم و ستمی که بر آنان روا میشود به هر طریق ممکن اقدام کنند.

ملالی جویا در کتاب "زنی در میان جنگ سالاران" به مورد تولید تریاک و مسایل مربوط به این امر در افغانستان نیز پرداخته است. در آنجا مطرح شده است که امروز افزایش ۴۰۰۰ درصدی تولید تریاک ، افغانستان را در ردیف بزرگترین صادر کننده مواد مخدر در جهان قرار داده و جنگ سالاران با ثروت بدست آمده از فروش تریاک روز به روز وحشیانه تر و پر قدرت تر از پیش سلطه شوم خود را گسترش میدهند. در این شرایط خرده دهقانانی که قادر به پرداخت بدهی های خود به جنگ سالاران نمی باشند ، مجبور به فروش دختران خود به آنها میشوند. در افغانستان بر چنین دختران نگون بختی ، نام "عروسان تریاک" نهاده شده است. در چنین شرایطی است که در کتاب گفته می شود که بر طبق آمار سازمان ملل ۷۰٪ از مردم افغانستان با ۲ دلار در آمد روزانه در فقر مطلق و با گرسنگی زندگی می کنند، تنها در کابل بیش از ۳۷ هزار کودک خیابانی وجود دارد و بیش از ۲۰۰ هزار کودک در افغانستان امروز معلول می باشند.

این کتاب حاوی پیام مهمی به مردم آزادیخواه دنیا است. ملالی میگوید: یکبار دیگر آمریکا برای حفظ منافع استراتژیک خودش کشور ما را مورد سو استفاده قرار داده است، و می گوید در مقابل ظلم و جنایتی که "جنگ سالاران" حاکم در زیر حمایت سر نیزه های آمریکایی بر مردم افغانستان روا میدارند ، سکوت نکنید.

او در مورد خودش میگوید ، در شرایط کنونی، نسل پیشین خسته از مبارزه و ناامید از امکان بوجود آمدن تغییرات واقعی تلاش میکنند که من را به سکوت و تحمل وادارند اما من باور دارم "سکوت انسان های خوب در مقابل ظلم ، ضربه زننده تر از حمله دشمنان است". تبه کاران گل های باغچه را لگدکوب کرده اند ، اما تبار گل هرگز نخواهد مرد !

در این کتاب و در تمامی سخنرانی ها ، ملالی همواره بر این نکته تاکید میکند که هدفش مبارزه برای آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای مردم تحت ستم افغانستان می باشد. پس از سقوط طالبان، ملالی دو بار به عنوان نماینده مجلس انتخاب شد. اما برخورد او با مرتجعین هر بار باعث رانده شدن او از آن مجالس گشت. وی در این مورد مطرح کرده است که آن چه امروز در افغانستان وجود دارد به مسخره کشیده شدن دموکراسی است و تأکید می کند که دشمنان مردم افغانستان نمی توانند انتخاب او در پارلمان را دلیلی برای وجود دموکراسی در افغانستان جا بزنند، و نشان می دهد که عدم تحمل او در آن پارلمان ها نیز خود یکی از دلایل عدم وجود دموکراسی در افغانستان می باشد.

واقعیت های موجود در افغانستان ، بار دیگر این حقیقت را در مقابل چشم ما میگذارد که تنها با مبارزات پیگیر و سازش ناپذیر و با ایجاد تشکلهای انقلابی است که میتوان دشمنان را شکست داد و سرنوشت جامعه خویش را بدست گرفت. در مقابل دشمن تا به دندان مسلح و در برابر ارتش ضد خلقی میبایست

ارتش خلق را ایجاد کرد. در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم ، امکان دستیابی به آزادی و دموکراسی واقعی هیچگاه از طریق شرکت در نهاد هایی که ساخته و پرداخته دست امپریالیست ها و رژیم های دست نشانده اشان هستند میسر نخواهد شد. این امر تنها در مبارزه متحدانه نیروهای خلقی و تنها با اتکا به نیروی سهمگین توده ها امکان پذیر می باشد.

به امید اتحاد مبارزاتی تمامی زنان و مردان انقلابی ایران و افغانستان برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و تبعیض و استثمار !

سارا نیکو

۲۵ نوامبر ۲۰۰۹